



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



9.3.2019

وطن دوست

## پروژه های "عام المنفعة اشرف غنی"

به خاطر طولانی شدن پیامم از همکاران محترم این وبسایت ملی خواهش میکنم، که در صفحه مقالات نشر شود. تشکر !

"اشرف غنی می گوید تمام پادشاهان از احمد شاه بابا تا کرزی به زور تانک های خارجی و کشتن برادر توسط برادر، کشتن پسر توسط پدر و و به قدرت رسیدند و برای اولین بار در تاریخ است که به اراده مردم من رئیس جمهور انتخاب شده ام. من به زور تانک های خارجی نیامدم و بادیگارد خارجی استخدام نکرده ام."

من همیشه گفته ام، که بالای دستنشانندگان اجنبی نباید اعتماد کرد، ولو در ظاهر خود شانرا طوری دیگر وانمود نمایند. حتی پروژه های به اصطلاح عام المنفعة این اشخاص، در حقیقت آمادگی برای منافع طویل المدت پاداران اینهاست - از اهمیت جغرافیایی وطن ما در منطقه همه بهتر از من میدانند، که تا چه اندازه برای امریکا مهم است.

با یک نگاه اجمالی به ستراتیژی های کشور های استعمارگر و دولت های دست نشانده آنها میخوام، به ماهیت اصلی اشرف غنی ها و واقعیت های عینی که به دفعات در تاریخ امپریالیست ها تکرار شده است، به صورت مختصر بپردازم.

در سابق این یک ستراتیژی تمام امپریالیست های غربی در مستعمره های تحت اشغال شان بود، که همواره تکرار میشد و به کمک یک قشر قدرت و ثروت پرست بومی تضمین و عملی میکردید:

در دوران کولونیالیسم، در قدم اول دول غربی کشیش های شانرا به کشور های مورد علاقه شان میفرستادند، تا مردمان آن کشور را "اهلی" یعنی عیسوی بسازند، تا بعداً از نیروی کار آنها جهت تاراج کشور شان استفاده کنند. یک نویسنده افریقایی که متأسفانه هم اسم خودش و هم اسم کتابش را فراموش کرده ام، چنین نوشته بود:

اول کشیش های شانرا به کشور ما فرستادند و به ما آموختند، که حضرت عیسی گفته، "دشمن تانرا مانند خود تان دوست بدارید. اگر کسی به صورت تان با سیلی زد، طرف دیگر صورت تانرا برایش پیش کنید".  
زمانیکه ما دین عیسوی را به اعتقاد خود تبدیل کردیم، بعد عساکر و ماشین های جنگی شانرا در کشور ما فرستادند و کشور ما را برای همیشه تسخیر کردند؛ دولتمداران ما را خریدند و کشور ما را با آنچه که در آن وجود داشت، در عوض چند گردن بند شیشه ای رنگین به سران نادان اقوام ما مبادله کردند. (نقل قول به مفهوم)

چون به مرور زمان این ستراتیژی و مکر امپریالیست ها افشا شد، در عصر حاضر ستراتیژی شانرا به طریق دیگری تغییر داده اند، که مختصراً اینطور است:

در قدم اول امکانات زیربنایی را در کشور اشغال شده اعمار می کنند، مانند شاهراه ها، بنادر، راه های مواصلاتی فضائی، خط آهن، بند های بزرگ آبی و جهت فریب اهالی منطقه نیز چند تا شفاخانه، مکتب و پوهنتون....  
البته تمام این پروژه ها به نفع کشور اشغال شده تبلیغ میشود و مردم در عمل نیز می بینند، که تمام این زیربنا ها برای شان سهولت و امکانات کار مهیا می سازد.

اما برای کشور های اشغالگر در قدم های بعدی، همین زیر بنا ها در تاراج منابع زیرزمینی (معادن ناب کشور ما) و منابع روزمینی (مانند آبهای کشور ما، که اهمیت آن در آینده از نفت بالا تر است) سهولت ایجاد میکند.  
از همین زیرساخت ها جهت استخراج و ترانسپورت منابع طبیعی مورد نظر شان به کشور خود استفاده میکنند. هدف که از همان ابتدا در پلان کار شان بود.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

چون دیر یا زود (اکثراً خیلی دیر) مردمان کشور های اشغال شده عقب این پلان شوم استعمار گران می برآیند، اینجاست که پلان B استعمار گران آغاز میشود:

پایگاه های نظامی شان با استقرار چندین هزار عسکر و مهمات جنگی، که در همان ابتدا توسط قرارداد ها با دولت دستنشانده امضا شده بود، کنترل خیزش های احتمالی مردم آن کشور را علیه تاراجگران تضمین و در مواقع لزوم سرکوب شان میکنند. شاهراه ها و دیگر مواصلات ترانسپورتی را که در ابتدا اعمار نموده بودند، در عملی ساختن پلان B نیز برای شان مفید واقع میشود و هر نوع جنبش مردمی را در دورترین نقاط کشور اشغال شده توسط همین شاهراه ها، میدان های هوایی و خط آهن ها از بین میبرند.

این است از نظر من، ماهیت اصلی "متفکر دوم جهان" و پروژه هایش برای افغانستان، که در حال حاضر کسی جرئت انتقاد و افشای واقعیت های عینی آنرا ندارد.